

بررسی کیفیت زندگی در نظام آموزش و پرورش

حسین ایلانلو^۱، احد رحمانی^۲

^۱ کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی تهران، hosseinelanloo@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی تهران rahmaneahad94@gmail.com

مقدمه

سازمانی یکی از منابع زیر بنایی به شمار می رود، ولی در نظام آموزش و پرورش، اهمیت و نقش نیروی انسانی در رسیدن به اهداف سازمانی از سایر سازمان ها مهم تر و حساس تر می باشد.

یکی از ضرورت های تحقق اهداف آموزش و پرورش، رغبت و تمایل معلمان در جهت انجام وظایف آموزشی و پرورشی تعیین شده می باشد. عدم توجه به تمایلات و انگیزه های معلمان، سبب نارضایتی و عدم وفاداری آنان می شود که این امر با مسائلی نظیر غیبت زیاد، ترک خدمت، بی میلی به ماندن در سازمان، کاهش اعتماد و پایین آمدن عملکرد و بهره وری در آمیخته است. بنابراین باید به عوامل زمینه ساز رضایت شغلی و تعهد سازمانی معلمان توجه بیشتری صورت گیرد. (واحدسرکارآباد، ۱۳۹۳)

آموزش زیربنای اصلی پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی در جهان امروزی محسوب می شود. تمدنی که بشر امروزی به وجود آن افتخار می کند، در حقیقت نتیجه ی انباشت تجربه ها و انتقال آن از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر است و کشوری که نتوانسته باشد ویژگی های لازم یک جامعه ی علمی را به دست آورد، علت اصلی را باید در نظام آموزشی خویش جستجو کند و با رفع موانع و مشکلات موجود در جامعه به طور قطع، خواهد توانست به پیشرفت های فراوان در همه ی زمینه ها دست یابد. بنابر این، به دلیل اهمیت بسیار نظام آموزشی، باید ارکان اصلی این نظام، یعنی معلمان و دبیران در همه ی دوره های تحصیلی اعم از ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مورد توجه ویژه قرار گیرند (فرح ترکمان، ۱۳۸۸)

در ارتباط با کیفیت زندگی تعریف های مختلف وجود دارد. هر نظریه پرداز و پژوهشگری با توجه به تخصصی که در یک حیطه از علوم دارد، تعریف خاصی نیز از کیفیت زندگی دارد. اما برخی مولفه ها در اکثر تعاریف کیفیت زندگی وجود دارد که در ادامه ذکر می شوند:

۱- **ارزیابی ذهنی:** کیفیت زندگی حاصل یک ارزیابی ذهنی است. این بدین معنی است که کیفیت زندگی به ارزیابی ذهنی که فرد از وضعیت فعلی خود دارد، اطلاق می گردد.

یکی دیگر از شرایط سلامت روان، کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی عبارت است از برداشت هر شخص از وضعیت سلامتی خود و میزان رضایت از این وضع (حمیدی زاده، ۱۳۸۷). یکی از شاخص ترین تعاریف در مورد کیفیت زندگی تعریفی است که سازمان بهداشت جهانی عرضه نموده است. بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی، کیفیت زندگی درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت هایشان است. پس موضوعی کاملا ذهنی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه های مختلف زندگی استوار است (ساسنین^۱ و جورکاو سکاس^۲، ۲۰۰۹).

مفهوم کیفیت زندگی ابتدا به حوزه های بهداشتی و بیماری های روانی محدود می شد، اما در طی دو دهه گذشته، این مفهوم از زمینه های بهداشتی، زیست محیطی و روانشناختی صرف به مفهومی چند بعدی ارتقا یافته (عنبری، ۱۳۸۹) و مورد توجه تعداد زیادی از حوزه های مطالعاتی قرار گرفته است. از این رو ست که براساس پایگاه داده ها موسسه اطلاعات علمی، از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ بیش از ۵۵ هزار تحقیق در مورد کیفیت زندگی صورت گرفته است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷).

هر جامعه زمانی از پویایی و نشاط کافی برخوردار خواهد بود که شهروندان آن از کیفیت زندگی کافی و مطلوب برخوردار باشند، پس کیفیت زندگی یکی از ارکان اساسی و توسعه و یکی از مولفه های اساسی برای رشد و شکوفایی و ارتقای وضعیت زندگی است و در نتیجه باید آن را محور توسعه ی اجتماعی و اقتصادی قلمداد نمود. در واقع می توان چنین استنباط کرد که کیفیت زندگی، درک منحصر بفرد هر شخص در مورد اینکه آیا او با وجود ارتباطی که با خانواده اس، دوستانش و اجتماعش دارد برایش رضایت بخش و قابل قبول است یا نه. و همچنین ارضا فیزیکی، روانی، اجتماعی و اقتصادی برایش موجود است یا نه. که البته این قضیه به توقع شخص از زندگی ارتباط دارد. (فیض، ۱۳۹۱ به نقل از پارک و پارک، ۱۸۹۷) اهمیت نیروی انسانی در پیشبرد اموری که جامعه به قدری زیاد است که می توان آن را موثرترین رکن تحولات علمی، فرهنگی و اقتصادی در یک کشور دانست. با این اوصاف، اگرچه نیروی انسانی در هر واحد